

معرفی پیش نویس سند توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی در ایران

در تداوم فعالیتهای سازمان عمران و بهسازی شهری در ارتباط با اسکان غیررسمی، تهیه سندی راهبردی در سطح ملی در دستور کار قرار گرفت تا همسویی اقدامات دستگاههای بخشی و ایجاد هماهنگیهای میان بخشی و دراز مدت را موجب شود. این اقدام با شروع اقدامات کارشناسی بانک جهانی برای بررسی امکان اعطاء وام برای تأمین مسکن کم درآمد در ایران همزمان گردید و با استقبال ایشان، کاربرد آن به عنوان راهنمای مشترک برخورد به مسئله و اقدامات آتی در استفاده از وام احتمالی مورد تأیید قرار گرفت.

تهیه پیش نویس این سند با مشارکت جمعی از کارشناسان رشته‌های گوناگون از مرداد ماه ۱۳۸۱ آغاز شد و در پی چند دور گفتگو و نظرخواهی‌های رفت و برگشتی و طرح در کارگاه تخصصی ۱۱ تا ۱۳ آبان با حضور کارشناسان دستگاههای ذیربط کشور و بانک جهانی، به صورت متن زیر پیشنهاد شده است که امید می‌رود در ادامه این حرکت، ضمن برخورداری گسترده‌تر از نظرات کارشناسی و مسئولین به سندی لازم الاجرا و تعیین کننده راهکارهای اجرایی بدل شود. از خوانندگان محترم دعوت می‌شود تا نقد و نظر خویش را به دفتر نشریه ارسال فرمایند.

۱- مقدمه

اسکان بشر، نقشی تمدن ساز در فرایند تاریخی توسعه جوامع داشته است. در این فرایند، شهرها، به مثابه برترین سطح اسکان، کانون ایفای این نقش بوده‌اند. چشم‌انداز توسعه جهانی نشان می‌دهد که این نقش همچنان تداوم دارد و این مهم در گرو بر پا کردن و نگاهداشتن شهرهایی است مولد و پایدار، با محیطی قابلیت زا، مناسب زیست و فعالیت، و حفاظت کننده محیط زیست.

از پدیده‌های عمده ناپایدارکننده شهری - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیررسمی^(۱) است که بنا بر مشاهدات جهانی در حال گسترش فزاینده است. این گونه سکونتگاه‌ها هرچند جلوه‌ای از فقر است اما بازتاب کاستی‌ها و نارسایی‌های سیاست‌های دولت و بازار رسمی نیز محسوب می‌شوند. اسکان غیررسمی به سبب بازتولید فقر و گسترش آن، به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه‌ای بیشتر برای حل مشکلات - در مقایسه با هزینه پیشگیری از آنها - تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری و نیازمند تدابیر ویژه‌ای برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آنها در آینده است. از آنجا که اسکان غیررسمی از زمینه‌ای فراتر از مکان آن نشأت می‌گیرد و بر محیطی فراتر از مکان آن نیز تأثیر می‌گذارد، چاره‌جویی این مسأله به سیاستگذاری و اقداماتی نه فقط در سطح محلی آن، بلکه در سطح ملی نیاز دارد. ضرورت تدوین سند حاضر از یک سو به فقدان برنامه و سیاستگذاری مشخص برای اسکان غیررسمی در ایران، و از سوی دیگر به ضعف هماهنگی بخش‌ها و اقدامات میان بخشی در این باره مرتبط است. این سند مرجع تعریف مشترک مسئله و تبیین اصول راهبردی و سیاستگذاری‌های بخشی تا پایان برنامه سوم و زمینه‌ساز تعیین اهداف و

۱- هرچند در این سند برای تأکید بر رسمیت نداشتن این سکونتگاه‌ها در برنامه ریزی شهری و در مواردی از نظر مدیریت شهری از عنوان «اسکان غیررسمی» استفاده شده است. لیکن «خودرو»، «نامتعارف»، «غیرمجاز»، «خودانگیخته»، «نابسامان» و حاشیه نشینی نیز به آنها اطلاق شده است.

راهبردها و سیاست‌های برنامه چهارم توسعه کشور و طرح قوانین و مقررات مورد نیاز برای اجرای سیاست‌ها و تدوین راهکارهای مرتبط خواهد بود.

سند حاضر با اعتقاد به اینکه چاره‌نهایی اسکان غیررسمی و پیشگیری کامل تکوین آن در گرو تحولات ساختاری دراز مدتی است که ریشه‌کنی فقر، توسعه همه‌جانبه و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در کشور را به دنبال آورد، لیکن راهبردها و سیاست‌های پیشنهادی خود را در محدوده واقعیتهای موجود و در حال گسترشی مطرح می‌سازد که باید به طور مشخص و اضطراری چاره‌جویی و از بازتولید آن جلوگیری شود.^(۱) به سخن دیگر، مشکل اسکان غیررسمی را نه می‌توان نادیده گرفت و نه خود به خود حل شدنی است و با توجه به گسترش روزافزون آن لازم است هرچه زودتر برای این مسئله چاره‌اندیشی شده و چگونگی مداخله هماهنگ و همه‌جانبه بخش دولتی - عمومی در این مسئله روشن گردد.

۲- وضع موجود و گرایش‌ها

به موازات رشد شهرنشینی در کشور در دهه‌های اخیر، سکونتگاههای نامتعارف و خودانگیخته‌ای درون یا مجاور شهرها - باتقدم در مجموعه‌های شهری بزرگ - به سرعت ایجاد شده و رشد یافته است. این سکونتگاهها اغلب دارای ویژگیهای زیر می‌باشند:

● مسکن سازی شتابزده، توسط استفاده کنندگان آنها که عمدتاً به دلیل نداشتن پروانه ساختمانی و تبعیت نکردن از برنامه ریزی رسمی شهر سازی مجموعه‌ای نابسامان به وجود آورده‌اند.

● پیوستگی عملکردی با شهر اصلی و گسست کالبدی از آن با تجمعی از اقشار عمدتاً کم درآمد و فقیر .

● محیطی با کیفیت پائین زندگی و کمبود شدید خدمات و زیربنای شهری و تراکم بالای جمعیتی .

ویژگی‌های گفته شده، ساکنین این سکونتگاهها را در مخاطره آسیب‌های اجتماعی، طبیعی و زیست محیطی قرار داده و موجب جدایی‌گزینی آنها از شهر اصلی شده است. برآورد می‌شود حداقل یک هشتم جمعیت شهری کشور (حدود چهارونیم میلیون نفر) در این سکونتگاههای غیررسمی مستقر باشند و تداوم روند موجود، نسبت آن را در ابتدای دهه آینده به یک چهارم جمعیت شهری و تعداد آن را به بیش از دو برابر خواهد رساند. البته به‌طور متوسط در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سکونتگاههای غیررسمی در ایران از کمیت و کیفیت مسکن و زیربنایهای بهتری برخوردارند؛ اما با توجه به جهانی شدن اقتصاد با پیامدهایی همچون شهری شدن فقر و دو سطحی شدن جامعه، و در صورت تداوم این شرایط و چاره نکردن آن، می‌تواند به شکاف بیشتر انتظارات و واقعیات در اجتماعات غیررسمی بینجامد و آنها را محمل عصیان و آسیب‌های بیشتر کند.

توسعه شهری در معنای عام آن، بر اثر بازتاب فضایی اسکان غیررسمی، ناپایدار شده است، بنابراین نه می‌توان به امید حل خود به خودی این مسئله آن را رها نمود و نه با برخورد مقطعی، گزینشی و پراکنده کاری در «اینجا و آنجا» پاسخگوی آن بود. همچنین این احتمال نیز وجود دارد که مداخله‌های نسنجیده، خود مشوقی برای گسترش مسئله باشد و در نتیجه به دنبال روی از اتفاقات و نه هدایت و کنترل آنها ختم شود. پیدایش و گسترش اسکان غیررسمی گویای وجود موانع ساختاری و ناکارآمدی سیاست‌های کنونی در تأمین مسکن و خدمات رسانی لازم مرتبط با آن برای اقشار کم‌درآمد شهری در سطح کلان است که حوادث غیرمترقبه منجر به جابجایی‌های ناگهانی جمعیت (مانند جنگ و خشکسالی) نیز آن را حادث می‌سازد. همچنین در سطح خرد نیز، ضعف مدیریت شهری (به ویژه در هدایت، نظارت و کنترل)، وجود منافع نامشروع گروه‌های ذینفع و ذی‌نفوذ محلی و برخوردهای غیرقانونمند در پذیرش یا رد این سکونتگاهها، مسئله را تشدید نموده است.

واقعیات این است که انتقال ناگهانی بسیاری از ساکنان سکونتگاههای غیررسمی از شیوه معیشت سنتی و رسمی روستایی به معیشت نامشخص و نوینی که تمهیدات لازم و متناسب شهرنشینی - در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی - فراهم نیست، آنها را به سکونتگاههای ناپایداری کشانده است که به منظور جای پا یافتن در شهر

۱- بنا بر مصوبه شهریورماه ۱۳۸۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، جلوگیری از توسعه حاشیه‌نشینی و ساماندهی این سکونتگاهها به عنوان یکی از محورهای سیاستگذاری شهری کشور باید مورد توجه قرار گیرد.

و به امید طی دوره گذار، انتخاب شده‌اند. علاوه بر این، مسئله بلاتکلیفی بسیاری از این سکونتگاهها از نظر قانون - که ساکنان را دائم در خطر تخریب، تخلیه و تعرض رسمی نگاه می‌دارد - موجب احساس ناامیدی و عدم امنیت خاتوارها و مانع تلاش، مشارکت اجتماعی و همبستگی آنها با جامعه شهری است؛ امری که پیامدهای نامطلوب فرهنگی (حتی برای نسل‌های آتی آنها و محیط‌های مجاور) در بردارد.

از این رو، در وضع موجود مسئله عبارت است از: محرومیت ساکنان این سکونتگاههای گسترده که حامل یا مستعد ناپهنجاری‌های اجتماعی - اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی اند و نیاز مبرمی به ارتقای شرایط محیطی دارند. با توجه به گرایش‌های موجود و نبود نشانه‌ای از تغییر سیاست‌ها، چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای از رشد اسکان غیررسمی و ناپایدار سازی شهرها وجود دارد که اراده‌ای ملی و تدابیری مشخص، متفاوت از روال کنونی، می‌طلبد.

۳- اهداف کلان

در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^(۱) و هماهنگ با مهم‌ترین دستور کارها و بیانیه‌های جهانی برای تأمین سرپناه مناسب برای همه و ایجاد توسعه پایدار شهری^(۲)، این سند حاوی برنامه‌ای راهبردی برای چاره‌جویی مشکلات ناشی از اسکان غیررسمی (به تعبیری حاشیه‌نشینی) در کشور و پیش‌نگری آن و پیشگیری از گسترش آن در آینده است.

با این باور که وقتی بخش عمده‌ای از جمعیت در فقر و تبعیض و در شرایط غیرمتعارف زندگی کنند، توسعه راستینی برای کشور رخ نخواهد داد، سند حاضر اهداف زیر را مدنظر دارد:

- الف. بسترسازی برای ارتقای شرایط محیطی به نحوی پایدار و فراگیر در جهت رشد سلامتی، امنیت، امید، ایمان و کرامت انسانی در سکونتگاههای غیررسمی موجود.
- ب. پیش‌نگری به گسترش اسکان غیررسمی در آینده و زمینه سازی برای احداث مسکن مناسب، خدمات پایه و زیربناها در حد استطاعت و دسترسی گروه‌های کم درآمد در فضای رسمی شهری.
- پ. زمینه سازی برای بهره‌مندی از امتیازات شهری و تعمیق فرهنگ شهری برای ساکنان این سکونتگاهها به همراه مشارکت همه جانبه آنها در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات محلی.

۴- اصول هادی

یکم) بازنگری سیاست‌های موجود و تأمین فضای شهری برنامه‌ریزی شده برای کم‌درآمدها: اسکان غیررسمی مجموعه‌ای از تنگناها و مشکلات و نیز قابلیت‌ها و امکانات را در خود دارد که سیاست‌های کنونی در استفاده از امکانات نهفته آن برای فائق آمدن بر مشکلات موفق نبوده‌است. واقعیت آن است که به دور از این قابلیت‌ها، شیوه‌های مداخله مستقیم بخش دولتی (از جمله در تولید مسکن، عرضه زمین و استانداردهای شهری وضع شده) ناکارآمد بوده و نفعی برای کم‌درآمدترین اقشار نداشته است. اسکان غیررسمی به علت نبود فضای رسمی مناسب و در حد استطاعت اقشار کم‌درآمد شهری به وجود آمده است و از این رو بازنگری در برخورد متداول بخش دولتی - عمومی به این پدیده و به فرایندهای برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی شهری، به منظور تأمین فضای رسمی قابل زندگی برای این اقشار، یک اصل است.

دوم) نقش تسهیل‌کننده و هدایتگر بخش دولتی - عمومی: زمینه‌سازی برای تضمین و دسترسی به سرپناه و خدمات پایه مورد نیاز آن همگان از وظایف بخش دولتی - عمومی است که در مورد اقشار کم‌درآمد و فقیر به دلیل پاسخگو نبودن بازار به شرایط آنها، نیاز به مداخله دولت است تا در جهت سیاست‌های اجتماعی و فقرزدایی در بعد مسکن اقداماتی به عمل آورد؛ انجام وظیفه در این زمینه نه بر مبنای تأمین مستقیم همه نیازها و تصدی تمامی امور توسط بخش دولتی - عمومی، بلکه از طریق فرایند تسهیل جریان امور و مشارکت فراگیر و توانمندسازی

۱- به ویژه اصل سوم (ایجاد محیط مساعد رشد فضایل اخلاقی و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه) و اصل سی و یکم (حتی داشتن مسکن متناسب با نیاز هر فرد و خانواده با اولویت نیازمندترین‌ها)

۲- دو محور اصلی بیانیه استانبول در کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد درباره اسکان بشر (۱۹۹۶) که به تصویب نمایندگان کشورها رسید.

اجتماعات هدف، در برآوردن نیازهایشان صورت می‌گیرد. نقش بخش دولتی - عمومی در چنین صورتی موجب آثار فزاینده کمک‌های مستقیمی می‌شود که در هر حال برای کم‌درآمدترین اقشار ضروری است.

سوم) بسیج منابع درون اجتماعات و خودیاری حمایت و هدایت شده: بیشترین جنبه بازنگری گفته شده در اصل یکم، در ایجاد محیطی قابلیت‌زا برای مشارکت ساکنان در رفع نیازهای جمعی آنها در محیط ساخته شده است. به سخن دیگر، استفاده از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی برآمده از درون این اجتماعات، از مهم‌ترین اصول هادی در توانمندسازی و ساماندهی است؛ البته پی‌ریزی راه حل از درون، نافی استفاده آگاهانه و جهت دار از منابع بخش دولتی - عمومی در این راه نیست. همچنین حداکثر استفاده از واحدهای مسکونی موجود قابل قبول با تکیه بر ارتقای محیطی و بهسازی تدریجی - و نه جابجایی و نوسازی تمامی مجموعه - موردنظر است. جنبه دیگری از بازنگری گفته شده، زدودن پیشداوری‌های منفی و برخوردهای یک سویه نفی اسکان غیررسمی است. در حالی که گروهی از اقشار کم درآمد، با ابتکارات و بسیج منابع خود و با تلاشی که حداقل بار را بر دوش منابع بخش دولتی - عمومی داشته، به نیاز برآورده نشده خود به سرپناه پاسخ داده‌اند، اصل بر هدایت و حمایت این خودیاری و ارتقای توانایی‌ها و بهبود محیط زندگی این افراد در جهت یکپارچگی و پیوند آنها با جامعه و اسکان رسمی است.

چهارم) حق اقامت و امنیت در سکونت به همراه مسئولیت‌پذیری مدنی: حق اقامت و امنیت در محل سکونت برای ساکنان اسکان غیررسمی موجود باید به رسمیت شناخته شود و از تخریب و تخلیه قهری و بدون مذاکره با ساکنان درباره چگونگی تأمین فضای جایگزین پرهیز شود. در برخورد با اسکان غیررسمی، سیاست‌گذاری نه بر مبنای بازدارندگی از حق مهاجرت و سکونت در شهر، بلکه بر مبنای تفهیم انجام تکالیف و وظایف شهروندی ساکنان در برخورداری از این حق است. این عمل به نحوی صورت می‌گیرد که متناسب با این تلاش و ادای دین مدنی، ارتقای تدریجی زندگی این اجتماعات تحقق یابد. امتیاز و کمک دولتی بدون ترویج مشارکت فعالانه و انگیزه و تعهد در ارتقای تدریجی جمعی اعطاء نمی‌شود.

پنجم) تقویت بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی خانواده با تأکید بر مسکن و اشتغال: از مهم‌ترین اصول راهبردهای ساماندهی، تقویت بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی خانواده در حکم واحد بنیادی در سکونتگاه‌های غیررسمی است. تأمین سرپناه مناسب، در حد استطاعت و دسترس، ایمن و برخوردار از خدمات و زیربناهای پایه، فراهم نمودن فرصت‌های شغلی پایدار با نگرشی خرد و از میان برداشتن موانع کالبدی نقشی اساسی در تقویت این واحد بنیادی دارد. مسکن بزرگ‌ترین سرمایه این خانواده هاست که امنیت، نگاهداشت و بهبود وضعیت آن موجب حفظ کیان خانواده و افزایش بهره‌وری نیروی کار و همبستگی آن با جامعه می‌شود؛ بنابراین تخصیص منابع بخش دولتی - عمومی به این امر صرفاً هزینه‌ای اجتماعی محسوب نمی‌شود بلکه فواید اقتصادی برای کل جامعه در بر دارد.

ششم) رویکرد جامع و قابل گسترش و پیش‌نگر: مشکلات ناشی از اسکان غیررسمی که لازم است در چهارچوب راه حل‌هایی با قابلیت تعمیم و بازگشت هزینه‌ها چاره‌جویی شود، در حد استطاعت ساکنان باشد و جزئی از راهبرد توسعه شهری تلقی شود. برخورد جامع در هرگونه مداخله در جهت ساماندهی اسکان غیررسمی یک اصل است. توسعه اجتماعی - اقتصادی را باید همزمان با اقدامات ارتقا و بهسازی کالبدی پیش برد و در این فرایند، با مشارکت و توانمندسازی اجتماعات محلی، به ظرفیت‌سازی نهادینه شده دست یافت. همچنین لازم است با پیش‌نگری، بستر و زمینه اسکان اقشار کم درآمد جدید به گونه‌ای در پیرامون شهرها فراهم شود که در آینده امکان ارتقا و تعادل آنها با اسکان شهری موجود به سادگی فراهم آید.

هفتم) تقویت نقش و وظیفه نهادهای مدیریت محلی در فرایند توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی: سازماندهی و نهادسازی مدیریتی متناسب برای هدایت و حمایت ساماندهی و اسکان برنامه‌ریزی شده با مشارکت دو سویه این اجتماعات و نهادهای محلی (به ویژه شهرداری و شورای اسلامی شهرها) برای پایدارسازی اقدامات و برنامه‌ریزی‌های اجرائی و تضمین موفقیت آنها ضروری است تا در نهایت، اختیار حل مشکلات اسکان غیررسمی و پیرامونی به سطح محلی واگذار شود.

۵- راهبردها و سیاست اصلی

الف - برای تحقق نخستین هدف این سند (بسترسازی برای ارتقای شرایط محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی

موجود به نحوی پایدار و فراگیر) راهبرد بخش دولتی - عمومی عبارت است از: تقویت و ایفای نقش هدایتگر و تسهیل کننده در حل مجموعه مشکلات اسکان غیررسمی با توانمندسازی این اجتماعات و مشارکت جوئی از آنها. در این راهبرد اتکای اصلی به توان‌های درونی موجود یا آموزش و پرورش یافته - این اجتماعات است و نقش بخش دولتی - عمومی صرفاً حمایت و هدایت خودیاری آنها برای رفع نیازهای فردی و جمعی است. سیاست‌ها و اقدامات مرتبط با این راهبرد به شرح زیر است:

الف - ۱- اقدام ملی در جهت ایجاد ستادهای سازماندهی غیررسمی و تشکیلات مربوط به آن در مناطق و واگذاری اختیارات هماهنگی و هدایت دستگاه‌های دولتی و عمومی به این ستادها برای اعمال رویکردی جامع، یکپارچه و همسو.

الف - ۲- ایجاد نهاد ملی هدایتگر بخش دولتی - عمومی متشکل از تمامی دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و درگیر برای سازماندهی اسکان غیررسمی موجود و پیش‌نگری آن در سطح کشور.

الف - ۳- حمایت از تشکیل نهاد منتخب مردمی در این سکونتگاه‌ها و به رسمیت شناختن این مرجع اصلی در تمامی مذاکرات و سازماندهی اقدامات جمعی به منظور ظرفیت‌سازی محلی و تقویت سرمایه اجتماعی.

الف - ۴- استقرار نظام نهادی چندوجهی و چندعملکردی در سطح شهرهای مواجه با اسکان غیررسمی متشکل از سه زیر نظام: ستاد توانمندسازی و سازماندهی نهادهای دولتی - عمومی، نهاد منتخب مردمی سکونتگاه‌ها و دفتر اجرایی مستقر در محل.

الف - ۵- تدوین ساز و کارهای تعامل و اقدام مشترک نهادهای دولتی - عمومی و مردمی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی.

الف - ۶- برقراری نظام اداره و حکومتداری خوب شهری در جهت مشارکت و همگرایی تمامی بازیگران و نقش آفرینان به ویژه برای زنان، جوانان و تهیدستان شهری. برای توسعه همه جانبه اسکان پیرامونی در هماهنگی با شهر اصلی.

الف - ۷- تشویق سازمان‌های غیردولتی برای حضور و مشارکت در امر انتقال دانش فنی و مدیریتی لازم برای پاسخگویی به مشکلات و مسائل ناشی از اسکان غیررسمی و به ویژه برای آموزش مهارت‌های شغلی، حقوق مدنی و حفاظت محیط زیست.

الف - ۸- برقراری ساز و کار لازم قانونی برای حل اختلافات حقوقی و پشتیبانی از حق مسکن و امنیت سکونت در سکونتگاه‌های غیررسمی موجود.

الف - ۹- برقراری ساز و کارهای لازم قانونی برای مذاکره درباره جبران خسارات خانوارهایی که جابه جایی آنها بنابر منافع اجتماعی (همچون در معرض سوانح طبیعی بودن یا اضطرار در کاربری زمین مورد نیاز جمعی) ضروری است.

الف - ۱۰- شناسایی و به کارگیری روش‌های مشارکت ساکنان در خدمات رسانی زیربنایی و بادوام سازی و اصلاحات لازم فنی در این سکونتگاه‌ها (مانند مقاوم سازی در برابر زلزله و روش‌های تجمیع قطعات).

ب - برای تحقق دومین هدف سند (پیش‌نگری گسترش اسکان غیررسمی و زمینه‌سازی تأمین مسکن مناسب با خدمات مرتبط برای گروه‌های کم‌درآمد راهبرد بخش دولتی - عمومی عبارت است از: تقویت و ایفای نقش تضمین‌کننده و تنظیم‌کننده در جهت دسترسی همگانی و در حد توان مالی اقشار کم درآمد شهری به نهادهای مسکن. البته برآوردن نیاز مردم به مسکن مناسب، تنها متوجه بخش دولتی - عمومی و مسئله‌ای صرفاً کالبدی و به عبارتی ساختمان سازی، آن هم برای یک یا چند بخش محدود و جدا از یکدیگر نیست؛ برآوردن این نیاز مستلزم هماهنگی و تشریک مساعی تمامی بخش‌هاست، آنهم در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی و به‌طور جامع از دیدگاه‌های اجتماعی - اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی است. سیاست‌ها و اقدامات مرتبط با این راهبرد به شرح زیر است:

ب - ۱- سازگار نمودن الگوها و قواعد موجود طراحی و برنامه‌ریزی شهری و مقررات و استانداردهای شهرسازی و ساختمانی با واقعیات محیط و استطاعت اقشار کم‌درآمد و با امکان ارتقای تدریجی آنها و

در هماهنگی با راهبرد توسعه شهری.

- ب - ۲ - حمایت بخش دولتی - عمومی از خانه‌سازی خانوارهای متقاضی کم‌درآمد (به‌ویژه وقتی به صورت فعالیت‌های جمعی و دارای طرح شهرسازی است) و تشویق بخش خصوصی محلی به عرضه کالا و خدمات مورد نیاز آن‌ها و اولویت دادن به اجرای طرح‌های انبوه‌سازی در این زمینه.
- ب - ۳ - پیش‌نگری و زمینه‌سازی برای عرضه زمین کافی در حد توانایی مالی متقاضیان کم‌درآمد جدید در طرح‌های توسعه شهری با امکان ساختن تدریجی، تراکم بالا، کاربری مختلط (به‌ویژه برای تولیدات غیرمزاحم در خانه) و با حداقل استانداردها و قابلیت خدمات رسانی شهری در آینده.
- ب - ۴ - راهاندازی و کمک به تهیه طرح‌های بهسازی برای ساماندهی اسکان غیررسمی با مشارکت نهاد منتخب محلی و تحت هدایت و نظارت ستاد ساماندهی منطقه و در چارچوب رویکرد شهرنگر و توانمندسازی.
- ب - ۵ - پژوهش برای شناسایی، تحلیل و سیاستگذاری برای مشکلات برآمده از اسکان غیررسمی در مناطق کشور با توجه به ویژگی‌های محلی.
- ب - ۶ - ایجاد مرکز ملی برای اطلاع‌رسانی، پژوهش، تجمیع و تبادل تجارب مناطق مختلف کشور و تجارب بین‌المللی در خصوص چاره‌جویی برای حل مشکلات اسکان غیررسمی و ارزیابی پیامدهای سیاست‌ها و اقدامات انجام گرفته.
- ب - ۷ - پژوهش در فن‌آوری‌های ساختمانی مناسب اقشار کم‌درآمد و استفاده از سازمانهای غیردولتی برای آموزش و ترویج دستاوردهای مربوط به آن.
- پ - برای تحقق سومین هدف سند (زمینه‌سازی برای بهره‌مندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی از امتیازات شهری و شهروندی) راهبرد بخش دولتی - عمومی عبارت است از: تقویت و ایفای نقش هدایتگر و تأمین‌کننده برای خدمات رسانی و ایجاد زیربنای‌های اساسی در این سکونتگاه‌ها و افزایش دسترسی به آنها. برای این بهره‌مندی لازم است در کنار منابع دولتی به تجهیز و بسیج منابع این اجتماعات و تلاش جمعی آنها در طول زمان کار متکی بود. برانگیختن مشارکت فعال نیاز به روشهای نوینی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تأثیرگذار بر سرنوشت این اجتماعات دارد. سیاست‌ها و اقدامات مرتبط با این راهبرد به شرح زیر است:
- پ - ۱ - بازنگری کلیه قوانین و مقررات محدودکننده دسترسی اقشار کم‌درآمد به تسهیلات و اعتبارات رسمی و به‌کارگیری ابتکاراتی متناسب با فقدان مالکیت رسمی و نوسان درآمدی در بخش غیررسمی.
- پ - ۲ - ایجاد صندوق‌های محلی برای خرده‌وام و پس‌انداز مسکن و اشتغال با مشارکت و سرمایه اولیه خود مردم ضمن بهره‌گیری از منابع دولتی، عمومی و خصوصی.
- پ - ۳ - تخصیص بخشی از وام‌های یارانه‌ای بخش دولتی برای تأمین مالی اولیه صندوق‌های وام محلی موردنظر در بند قبلی.
- پ - ۴ - بیمه کردن وام‌های اعطایی بانک‌ها و بخش خصوصی توسط بخش دولتی به منظور کاهش خطرپذیری و تشویق فعالیت آنها در توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی موجود.
- پ - ۵ - متناسب نمودن اعطای امتیازات بخش دولتی - عمومی (همچون اعطای جایگاه قانونی به سکونتگاه‌های غیررسمی، خدمات رسانی و دریافت وام و اعتبار) با کیفیت و کمیت مشارکت همگانی در ارتقای محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی موجود.
- پ - ۶ - اعطای وام‌های یارانه‌ای و هرگونه کمک عمومی بخش دولتی به ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی فقط از طریق نهادهای منتخب مردمی - محلی و استفاده از سازمانهای غیردولتی در نقش میانجی این امور.
- پ - ۷ - تخصیص و اولویت دادن به منابع دولتی به ویژه تأمین آن دسته از زیربناها و خدمات پایه شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی که بخش دولتی فراهم می‌کند.
- پ - ۸ - کمک ویژه به ایجاد فضاهای جمعی (اعم از فرهنگی، فراغتی و ورزشی) در سکونتگاه‌های غیررسمی موجود